

ایران، به طور یکسان نگاه می‌کردند و همه را زیر چتر خودشان داشتند. اما برخی از افراد حرف‌هایی می‌زدند و طعن و کنایه‌هایی می‌زدند که آزاردهنده بود و نسبت‌های نادرستی به ایشان می‌دادند.

ایشان حقیقتاً سعی می‌کردند با همه طیف‌ها، گروه‌ها و جناح‌های فکری مرادوات خوبی داشته باشند، پذیرای آنها باشند و حرف‌هایشان را بشنوند. دیدیم که در نماز بر پیکر ایشان از همه طیف‌ها آمده بودند. حقیقتاً همه قبول داشتند که ایشان بسیار بااخلاق بودند و با روش بسیار عادلانه‌ای با آنها رفتار کرده بودند. اما بی‌عدالتی و بی‌انصافی در دشمنان و حتی در کسانی که دوست بودند و فریب شایعات دشمن را می‌خوردند، فراوان بود و این مسئله، ایشان را آزرده می‌کرد.

• ممکن است برای این مورد مثالی بزنید؟

ایشان یکی از کسانی بودند که به شدت نسبت به فساد حساس بودند و در برابر فساد می‌ایستادند. بسیاری از موارد از قبل انجام شده بود و ایشان یا وزرای ایشان آن‌ها را کشف کردند و در مقابلش ایستادند و نمی‌گذاشتند ادامه پیدا کنند. ایشان ناراحت می‌شدند که چرا این مسئله به دولت نسبت داده می‌شود. روی بهره‌وری خیلی تأکید داشتند و می‌گفتند باید بتوانیم از نیروهای مان خوب استفاده کنیم و از بودجه و شرایطی که داریم به صورت کامل بهره‌بریم و بهره‌وری را افزایش بدهیم.

بحمدالله در سال‌های دولت ایشان شاهد افزایش این بهره‌وری هستیم. به هر حال شعاری را داده

بودند و معتقد بودند که باید صادق الوعد باشند و در مقابل فساد بایستند. می‌دیدند که این مسائل به دولت نسبت داده می‌شود، در حالی که خود دولت آن را کشف کرده و در مقابلش ایستاده و اجازه نداده بود که آن مسئله ادامه پیدا کند. اینها خیلی ایشان را آزرده می‌کرد و گاهی اوقات گلایه می‌کردند که چرا دوستان نمی‌روند دفاع کنند. از فولاد مبارکه تا چای دیش را می‌گفتند به دولت مربوط نیست و دولت دارد در مقابل اینها می‌ایستد و خودش دارد جلوی این مسئله را می‌گیرد، چرا باید به نام دولت تمام شود؟ چرا شعار ما نباید دیده شود؟ شعار ما مبارزه با فساد است و خودمان سردمدار این مبارزه هستیم. چندین بار این تعبیر را داشتند که این اتهامات و طرح‌ها و شایعات متوجه شهید بهشتی هم بود و در کار سست نشود.

• ایشان هم مثل شهید بهشتی خیلی مظلوم بود. واقعاً این قضیه را ذکر می‌کردند و می‌گفتند آن زمانی که من در دادستانی بودم، بعضی از جوانانی که خیلی داغ بودند و تصور می‌کردند که فقط آنها هستند که دارند اسلام انقلابی را پیاده می‌کنند، وارد اتاق من می‌شدند و با تشریح می‌گفتند: این عکس چیست که در اتاق گذاشته‌ای؟ (منظورشان عکس شهید بهشتی بود) شهید بهشتی به قدری مظلوم واقع شده بود که اینها تصور می‌کردند کار خطایی است که به شهید بهشتی توسل بجوییم یا ایشان را دوست داشته باشیم. همین تعبیر را هم گاهی در مورد ایشان به کار می‌برند و می‌بینیم

که حقیقتاً مظلوم واقع شدند و گاهی خودی‌ها به ایشان نسبت‌هایی دادند.

• با توجه به اینکه شهید آیت‌الله رئیسی در شرایط سخت و با وجود مقاومت‌ها و مشکلات توانست دستاوردهای مهمی مانند اجرای تعرفه پرستاری و رتبه‌بندی معلمان را محقق کند، چگونه ایشان توانستند با مدیریت و تلاش خود مانع از افتادن کشور به سراشیبی شوند و چه چالش‌هایی در این مسیر پیش روی ایشان قرار داشت؟

با توجه به مشکلات و شرایط جامعه نمی‌شد آن چیزی را که مطلوب هست پیاده کرد. گاهی اوقات اگر همین مقدار مقاومت و حرکت و تلاش ایشان نبود، وضعیت بسیار بدتر می‌شد، ولی ایشان نگذاشتند کشور به سراشیبی بیفتد. اینها این را نمی‌دیدند و انتظار استاندارد و شرایط مطلوب را داشتند که واقعاً رسیدن به آن به زمان نیاز دارد. فرهنگ خراب شده بود و نمی‌شد به یکباره اصلاح شود. همین که مانع از افتادن آن به سراشیبی شدند و نگذاشتند کار به سقوط بکشد، کار بزرگی بود.

خیلی از وعده‌هایی که قبلاً داده شده بودند و هیچ کسی فکرش را هم نمی‌کرد که محقق بشوند، انجام شدند، مثل تعرفه پرستاری، رتبه‌بندی معلمان و.... اینها کارهای کمی نبودند، در حالی که وضعیت بودجه را می‌دانید که چگونه بود. بدهی‌های دولت را می‌دانید که چگونه بود. با این شرایط، ایشان سعی کردند که همه اینها یکی یکی اجرایی بشوند و دستور دادند که باید اجرا شوند.

• ایشان سال‌ها سابقه حضور در قوه قضائیه داشتند، پرونده‌های همه افراد از جمله سیاسیون، مدیران و مقامات زیر دستش بود و همه آنها را مرور کرده است. اینکه شخصی این گنجینه اسرار را در اختیار داشته باشد و در جایی به نفع خود یا برای دفاع از منافع دولتش از آنها استفاده نکند، کار بسیار بزرگی است. ایشان حتی علیه کسانی که به ایشان نسبت‌های غلط می‌دادند و آزرده خاطرشان می‌کردند، از این ابزار که به سادگی در دسترس‌شان بود، استفاده نکردند.

این که بسیار مهم است و جالب است که بدانید به همه توصیه هم می‌کردند که چنین استفاده‌هایی نکنید. در جلسه آخری که در خدمتشان بودیم، گلایه‌هایی بود و از بعضی از قوا ناملامت‌هایی دیده بودند. ایشان می‌گفتند من به هیچ وجه بنا ندارم حرفی بزنم که بین قوا اختلافی ایجاد بشود. همواره به وحدت توصیه می‌کردند و می‌گفتند می‌توانم خیلی حرف‌ها را بزنم و خیلی از موضع‌گیری‌ها را داشته باشم، ولی به هیچ وجه این کار را نمی‌کنم. نکرده‌ام و نخواهم کرد.

• شهادت ایشان منجر به ایجاد وحدت شده است. طیف‌های مختلف در کنار هم و در کنار نظام قرار گرفته‌اند و این اتفاق بزرگی است. سوالی که پیش می‌آید این است که برخورد ایشان با مدیرانی که احیاناً کم‌کاری می‌کردند یا مرتکب خطا می‌شدند، چگونه بود؟

نسبت به این مسئله خیلی حساس بودند و دائماً در هیئت دولت تأکید می‌کردند که ما با هیچ کسی عقد اخوت نبسته‌ایم. وقتی می‌بینید مدیری تعهداتی و قول‌هایی به شما داده، ولی عمل نمی‌کند و کاری را که باید، انجام نمی‌دهد، کم‌کاری و ترک فعل دارد، رودربایستی را کنار بگذارید. ما با هیچ کسی پیمانی نداریم و سریع او را عوض کنید. خودشان هم در مورد زیر مجموعه‌شان همین سیره را داشتند، ولی گاهی وقت‌ها از بعضی از مدیران گلایه داشتند که در این تغییر سرعت ندارند و تلاش نمی‌کنند که امور را به ریل اصلی خودش برگردانند و مسیری را که دولت عهد کرده که با پشتکار و جدیت و استفاده از فرصت‌ها و بهره‌وری بیشتر پیش ببرند، آن گونه که باید پیش نمی‌برند. البته که با مطلوبی که مد نظر ایشان بود، بسیار فاصله داریم.

ما با هیچ کسی عقد اخوت نبسته‌ایم

شهید رئیسی نسبت به برخورد با مدیرانی که احیاناً کم‌کاری می‌کردند یا مرتکب خطا می‌شدند، خیلی حساس بودند و دائماً در هیئت دولت تأکید می‌کردند که ما با هیچ کسی عقد اخوت نبسته‌ایم. وقتی می‌بینید مدیری تعهداتی و قول‌هایی به شما داده، ولی عمل نمی‌کند و کاری را که باید، انجام نمی‌دهد، کم‌کاری و ترک فعل دارد، رودربایستی را کنار بگذارید. ما با هیچ کسی پیمانی نداریم و سریع او را عوض کنید

